

ایثار در آموزه‌های قرآن و معارف اسلامی

موسی جاودانی^۱، ابوالفضل برزگر بفروئی^۲

^۱ دانشیار، گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهرکرد

^۲ دانشجوی دکتری عمومی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهرکرد

نویسنده مسئول:

ابوالفضل برزگر بفروئی

چکیده

از جمله مسائل کلیدی و تأثیرگذار در دین مبین اسلام، آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) مبحث ایثار است. کلام مقدس حضرت حق و سخنان گهربار معصومین (ع) در باب ایثار در طی قرون و اعصار بر اذهان و افکار نقشی غیر قابل انکار داشته و بلاشک از اجزاء لاینفک زندگی اجتماعی بشری محسوب می‌گردد. عظمت ایثار آن چنان گسترده است که احاد مردم جامعه را در رسیدن به سعادت اخروی و بالاترین مرتبه ایمان یاری می‌نماید. مفاهیم ایثار در آموزه‌های دینی و مذهبی، پشت و پناه و چراغ راه بندگان مخلص خدا بوده و چونان مهتاب شب چهارده در روزگار تاریک و خطر آفرین دنیوی به مدد انسان‌ها خواهد آمد و آن‌ها را از منجلاب فساد و بخل‌رهایی می‌بخشد. خودخواهی، خودپرستی و در نقطه مقابل ایثار، گذشت و فداکاری قرار گرفته که انسان را از کارهای ارزشمند بسیاری مانند جهاد و مبارزه باز می‌دارد.

کلمات کلیدی: ایثار، آیات قرآن، روایات معصومین (ع)، بخل.

مقدمه

ایثار از مباحثی که در دین مبین اسلام مورد تمجید و ستایش قرار گرفته و نقطه مقابل آن یعنی خودخواهی، خودپسندی و بخل مذمت شده است. اگرچه واژه ایثار در قرآن نیامده اما هم خانواده‌های آن از همین باب، در قرآن به کار گرفته شده است. وجود ایثار در زندگی امروز و فردای آحاد مردمان یک جامعه بیش از پیش محسوس است. دریافتن ضرورت زمان حال جامعه خویش می‌تواند مسبب سعادت و رستگاری انسان در زندگانی دنیوی و منزلگاه اخروی باشد از این رو ایثار باید در دنیای امروز و زندگی اجتماعی مردمان این برهه از زمان چونان اصول دین مهم و ارزشمند تلقی گردد. سخن آن یکتای بی‌همتا در مباحث ایثار بر چکاد کوهسار عرش سای فصاحت و بلاغت نشسته و در چاهسار گوش طنین افکن گردیده و لوح جان آدمی را با کلام خویش مزین می‌کند و زینت می‌بخشد و این کلام این چنین رسوخی ژرف و نفوذی شگرف بر قلوب مومنان دارد.

لغت شناسی ایثار

واژه ایثار از ریشه (ا ث ر) به معنای مقدّم داشتن دیگری بر خود است و در اصطلاح عبارت است از بخشش به کسی در مورد چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد اما گاه در معنایی وسیع‌تر به هرگونه ترجیح بین دو طرف اطلاق می‌گردد. ایثار والاترین صفات انسانی، نهایت نیکوکاری و شریف‌ترین بزرگواری بوده و از پرشکوه‌ترین، زیباترین و بهترین مظاهر جلال و جمال انسانیت است و تنها انسان‌های بزرگ بدان دست می‌یابند. از جهات دیگری نیز می‌توان واژه ایثار را مورد بررسی قرار داد که ایثار شامل گذشتن از جان، مال، مقام، شخصیت و مانند آن در را خداوند متعال می‌شود اگرچه بیشتر در مقدم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران در برابر خواسته خویش به کار برده می‌شود. این مفهوم در اصطلاح به معنای مقدم شمردن دیگری بر خود در کسب سود و منفعتی یا پرهیز از ضرر و زیانی است که نهایت برادری و دوستی بین دو نفر را نشان می‌دهد که سبب تحکیم و تثبیت روابط و دوستی‌های بین آحاد مردم یک جامعه می‌گردد.

خودخواهی، خودپرستی و بخل (به معنای پرهیز از رساندن هرگونه سودی به دیگران) در نقطه مقابل ایثار، گذشت و فداکاری قرار گرفته که انسان را از کارهای ارزشمند بسیاری مانند جهاد و مبارزه باز می‌دارد. گرچه مساوات به معنای قرار دادن خویش در مرتبه‌ای همسان دیگران نیز مفهومی مقابل بخل به شمار می‌رود که البته در مقایسه با ایثار در رتبه‌ای پایین‌تر از آن قرار داشته و در نقطه وسط میان بخل و ایثار قرار دارد خودخواهی به معنای مقدم داشتن خویش بر دیگری است که انسان خواسته‌های خود را بر خواسته‌های دیگری ترجیح دهد. بدیهی است که با وجود این صفت مذموم، ایثار و فداکاری برای وی معنا و مفهومی نخواهد داشت، زیرا در صورت شرکت در فعالیت‌های ایثارگرایانه و دادن جان، همه چیزش را از دست رفته می‌بیند و به نظر او نتیجه‌ای عایدش نخواهد شد.

از این رو خودپرستی و خودخواهی سرچشمه گناهان بزرگی نظیر حب دنیا، حب مال و بخل و امثال آن‌ها شده که هر کدام مانع مهمی در جهت نیل به سعادت اخروی است. امیر مومنان علی علیه السلام می‌فرماید: «از این که آنچه را مردم در آن یکسان بهره دارند برای خود برگزینی، سخت پرهیز کن.

ایثار در قرآن کریم

رهنمودها و آموزه‌های دینی و معارف اسلامی به طور صریح بیان می‌کنند که ایثار از جمله زیباترین و باشکوه‌ترین جلوه‌های انسانیت در سراسر زندگی بشری است. مفاهیم ایثار در آموزه‌های دینی و مذهبی، پشت و پناه و چراغ راه بندگان مخلص خدا بوده و چونان مهتاب شب چهارده در روزگار تاریک و خطر آفرین دنیوی به مدد انسان‌ها خواهد آمد و آن‌ها را از منجلاب فساد و بخل رهایی می‌بخشد. وجود ایثار در زندگی امروز و فردای آحاد مردمان یک جامعه بیش از پیش محسوس است. دریافتن ضرورت زمان حال جامعه خویش می‌تواند مسبب سعادت و رستگاری انسان در زندگانی دنیوی و منزلگاه اخروی باشد از این رو ایثار باید در دنیای امروز و زندگی اجتماعی مردمان این برهه از زمان چونان اصول دین مهم و ارزشمند تلقی گردد. اگرچه واژه ایثار در قرآن نیامده اما هم خانواده‌های آن از همین باب، در قرآن به کار گرفته شده است. کاربردهای گوناگون این واژه نشان می‌دهد که چنین اصطلاحی در عصر نزول شکل نگرفته بود و در قرآن تنها معنای لغوی آن به کار رفته، اگرچه در آیه ۹ سوره حشر معنای لغوی مطابق با معنای اصطلاحی در آمده است. از این رو برای بررسی موضوع ایثار در قرآن باید به جست و جوی کلید واژه‌های دیگری باشیم که به نوعی در ارتباط معنایی با این اصطلاح است.

در آیه ۹ سوره حشر چنین می‌خوانیم:

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و هم آن جماعت انصار که پیش از (هجرت) مهاجرین (در مکه به رسول ایمان آوردند و) مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند دوست می‌دارند و در دل خود هیچ حاجتی (و حسد و بخلی) نسبت به آنچه (از غنائم بنی نضیر) که به آنها داده شد نمی‌یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش مقدم می‌دارند (و جانشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است) و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند آنان به حقیقت رستگاران عالمند.

در این آیه شَحْنٌ به معنای بخل است که برخی از مفسران معتقد اند که شَحْنٌ یکی از ویژگیهای نفس انسان است که وی را به دل‌بستگی زیاد به مال و حرص و آز بر آن وا می‌دارد. بخل دست بازداشتن از بخشش و خرج مال است و اثری از آثار شَحْنٌ است.

و چنین است که کلام مقدس حضرت حق در باب ایثار در طی قرون و اعصار بر اذهان و افکار نقشی غیر قابل انکار داشته و بلاشک از اجزاء لاینفک زندگی اجتماعی بشری محسوب می‌گردد.

در کلمه ایثار در قرآن کریم به مفاهیمی همچون: برّ، احسان، اطعام، انفاق یا عناوینی نظیر فروش جان و مال به خداوند و مقدم داشتن پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) بر خویش و در نقطه مقابل به مفاهیم بخل و شَحْنٌ و عناوینی نظیر مقدم داشتن خود بر پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) برمی‌خوریم. قرآن کریم با بیان شواهد و نمونه‌هایی، ایثار و ایثارگران را ستوده است از جمله در آیه‌ای ایثار مالی خاندان پیامبر (ص) را چنین می‌ستاید:

«و يطعمون الطعام على حبه مسكياً و يتيماً و اسيراً»

(و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و «اسیر» می‌دهند) (انسان/۸)

که این آیه در شأن امیر المومنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن مجتبی و امام حسین (صلوات الله علیهم اجمعین) نازل گردید که این بزرگواران سه روز پیایی روزه گرفتند و غذای خویش در هنگام افطار را در شب اول به مسکین، شب دوم به یتیم و شب سوم به اسیر دادند در حالی خودشان به آن غذاهای محتاج بودند.

از این آیه چنین استنباط می‌شود که مرحله کامل انفاق در چیزی نهفته است که آن را دوست داشته و بدان نیاز داریم. از این رو در این باب می‌توان به آیه ۹۲ سوره آل عمران اشاره کرد:

«لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شيء فان الله به علیم»

هرگز به نیکی نخواهید رسید مگر از آنچه که دوست می‌دارید انفاق کنید و خداوند بر آنچه انفاق می‌کنید آگاه است.

در بحث ایثار به یکی از مؤلفه‌های آن یعنی مقدم داشتن پیامبر (ص) بر خویشتن اشاره گردید. در همین رهگذر در آیه ۲۰۷ سوره بقره چنین می‌خوانیم:

و من الناس من یشتري نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رثوف بالعباد

و بعضی از مردم (با ایمان و فداکار همچون حضرت علی (ع)) جان خود را به خاطر خشنودی خداوند متعال می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.

این آیه به فضیلت علی ابن ابیطالب علی (ع) اشاره دارد در زمانی که آن حضرت (ع) در شب ليله المبيت به جای پیامبر (ص) در بستر ایشان خوابید تا پیامبر (ص) به مدینه هجرت کنند. چنین به نظر می‌آید که در این آیه به مقدم داشتن پیامبر (ص) بر نفس خویشتن اشاره دارد که امام علی (ع) شاهد مثالی واضح برای بیان چنین مفهومی است.

این گونه سخن آن یکتای بی‌همتا بر چکاد کوهسار عرش سای فصاحت و بلاغت نشسته و در چاهسار گوش طنین افکن گردیده و لوح جان آدمی را با کلام خویش مزین می‌کند و زینت می‌بخشد و این کلام این چنین رسوخی ژرف و نفوذی شگرف بر قلوب مومنان دارد.

در آیه ۱۰ سوره حشر نیز چنین می‌خوانیم:

«و الذین جاءوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالايمان و لاتجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا ربنا انک رثوف رحیم»

و آن‌ها که پس از مهاجرین و انصار آمدند (یعنی تابعین و سایر مومنین تا روز قیامت) دائم به درگاه حضرت حق عرض می‌کنند که خداوند! بر ما و برادران دینی‌مان که در ایمان از ما شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسدی قرار نده که تو بسیار مهربان و رؤوفی.

ایثار در روایات معصومین (علیهم السلام)

ایثار در روایات به عنوان خوی و خصلت ابرار و برگزیدگان الهی، نیکوترین احسان و از اعلی‌ترین مراتب ایمان شمرده شده است چنان که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: ایثار خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است. در جای دیگر فرمودند: ایثار نیکوترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است.

امام صادق (ع) فرمودند: بهترین شما سخاوتمندانان هستند و بدترین شما، بخیل‌ترین تان. از خلوص ایمان، نیکی کردن به برادران و کوشش برای رفع حوائج آنان است. خداوند مهربان، نیکی کننده به برادران را دوست می‌دارد و این کار، مایه طرد و خواری شیطان، دوری از آتش و ورود به بهشت است. سپس فرمودند: ای جمیل! بدان که این کار برای افراد توانگر آسان است؛ اما خداوند عز و جل در این زمینه، آن را که مال اندک دارد (و در عین حال، همان را ایثار می‌کند)، ستوده و در کتاب خود، فرموده است: و اذیگران را ابر خویشتن، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند، و آن‌ها که از خست نفس خویش مصون بمانند، آنان، همان رستگاران اند.

امیر سخن حضرت علی ابن ابیطالب علی (ع) فرمودند:

«الْإِثَارُ فَضِيلَةٌ، الْإِحْتِكَارُ رَذِيلَةٌ»

ایثار کردن، یک فضیلت است و انحصار طلبی، یک رذیلت (غیر الحکم: ۱۱۲)

که وجوب این کلام حضرت امیر (ع) در باب ایثار، انحصار و احتکار در جامعه انسانی امروز به وضوح هویدا است.

و نیز فرمودند:

«كُنْ عَفْوًا فِي قُدْرَتِكَ، جَوَادًا فِي عُسْرَتِكَ، مُؤْتِرًا مَعَ فَاقَتِكَ؛ يَكْمُلُ لَكَ الْفَضْلُ»

در هنگام قدرت، با گذشت؛ درگاه تنگ دستی، بخشنده و در وقت نیازمندی، ایثارگر باش تا فضل تو کامل گردد (غیر الحکم: ۷۱۷۹).

و همچنین می‌فرمایند:

«خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي عُسْرِهِ مُؤْتِرًا صَبُورًا»

بهترین مردم، کسی است که در هنگام تنگ دستی ایثارگر و شکیبا باشد (غیر الحکم: ۵۰۲۸).

«مَنْ آتَرَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعِ فِي الْمَرْوَةِ»

کسی که ایثار کند، در مروت به اوج رسیده است (غیر الحکم: ۸۲۲۵). طبق فرمایش حضرت علی (ع) رسیدن به مروت و جوانمردی نیز در گرو ایثار است.

گر بر دگری خرده‌نگیری مردی

گر بر سر نفس خود امیری مردی

گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

مردی نبود فتاده‌ای را پای زدن

و نیز فرمودند:

«ذَلِّلُوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ، وَ قَوِّدُوا إِلَى الْمَكَارِمِ، وَ عَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْحِلْمَ، وَ اصْبِرُوا عَلَى الْإِثَارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِيمَا تَجْمُدُونَ عَنْهُ»
 اخلاق خود را رام خوبی‌ها و کمالات کنید و آنها را به سوی خصلت‌های والا بکشانید. خویشتن را به بردباری عادت دهید و در آنچه بخل می‌ورزید، با شکیبایی ایثار کنید.

از مستدرک الوسائل منقول است که:

أَنَّهُ رَأَى يَوْمًا جَمَاعَةً، فَقَالَ: مَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ قَوْمٌ مُتَوَكِّلُونَ. فَقَالَ: مَا بَلَغَ بِكُمْ تَوَكُّلَكُمْ؟ قَالُوا: إِذَا وَجَدْنَا أَكْلَنَا، وَ إِذَا فَقَدْنَا صَبْرَنَا. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَكَذَا يَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا! فَقَالُوا: كَيْفَ نَفْعَلُ؟ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: كَمَا نَفَعَلُ؛ إِذَا فَقَدْنَا شُكْرَنَا، وَ إِذَا وَجَدْنَا آثَرَنَا.

روزی امیر مؤمنان، گروهی را دید. پرسیدند که شما کیستید؟ گفتند: ما جماعتی اهل توکل هستیم. فرمود که توکل‌تان، شما را به چه رسانیده است؟ گفتند: هر گاه چیزی بیابیم، می‌خوریم و اگر نیابیم، صبر می‌کنیم. حضرت (ع) فرمود: سگ‌های ما هم همین کار را می‌کنند! گفتند: پس چه کنیم، ای امیر مؤمنان؟ فرمودند: کاری که ما می‌کنیم: هر گاه نداشته باشیم، شکر می‌کنیم و هر گاه به دست آوریم، ایثار می‌کنیم.

امام حسن عسگری (ع) فرمودند:

شَيْعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الَّذِينَ يُؤْتِرُونَ إِخْوَانَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.

شیعیان علی علیه السلام، آن کسانی اند که برادرانشان را بر خودشان مقدم می‌دارند، هرچند در خود آنها نیازی ضروری باشد.

از روایات چنین استنباط می‌شود که ایثار و از خود گذشتگی به آموزه‌ها و معارف عمیق دین مبین اسلام پیوند عمیقی دارد و معصومین (ع) نیز برای ترویج، پویایی و ابقای در جامعه انسانی بسیار کرده‌اند.

ارزش ایثار

در این جا به بیان ارزش ایثار طبق فرمایشات بی‌نظیر معصومین (ع) می‌پردازیم.

الف. بالاترین مرتبه ایمان

امام علی (ع) می‌فرماید:

«الإيثارُ أحسنُ الإحسانِ ، و أعلى مراتبِ الإيمانِ»

ایثار، بهترین احسان و بالاترین مرتبه ایمان است (غرر الحکم: ۱۷۰۵).

«الإيثارُ أعلى المكارمِ»

ایثار، عالی‌ترین خصلت اخلاقی است (غرر الحکم: ۹۸۶).

«لا تكملُ المكارمُ إلا بالعفافِ و الإيثارِ»

خصلت‌های والای انسانی، جز با عفت و ایثار، کامل نمی‌گردد (غرر الحکم: ۱۰۷۴۵).

از این طبق فرمایشات متین حضرت علی (ع) ایثار، بالاترین مرتبه ایمان است.

ب. بالاترین بزرگواری

امیر سخن حضرت امیر المومنین علی ابن ابیطالب (ع) در باب فرمودند:

«أحسنُ الكرمِ الإيثارُ»

ایثار بهترین بزرگواری است. (غرر الحکم: ۲۹۱۴).

«الإيثارُ أعلى مراتبِ الكرمِ ، و أفضلُ الشيمِ»

ایثارگری، عالی‌ترین مرتبه بزرگواری و برترین خوی و خصلت است (غرر الحکم: ۱۴۱۹).

«الإيثارُ أشرفُ الكرمِ»

ایثار، شریف‌ترین بزرگواری است (غرر الحکم: ۹۱۶).

«كفى بالإيثارِ مكرمةً»

در بزرگواری آدمی، همین بس که ایثارگر باشد (غرر الحکم: ۷۰۴۷).

«حَسْبُ الْمَرْءِ... مِنْ كَرَمِهِ إِيْثَارُهُ عَلَى نَفْسِهِ»

از بزرگواری مرد، همین بس که دیگران را بر خود، مقدم‌بدارد (ترجیح دهد).

«عِنْدَ الْإِيْثَارِ عَلَى النَّفْسِ تَنْبِيْنُ جَوَاهِرِ الْكِرْمَاءِ»

در هنگام ایثار است که گوهر کریمان، نمایان می‌شود (غرر الحکم: ۶۲۲۶).

امام صادق (ع) فرمودند:

الجودُ زكاةُ السَّعَادَةِ ، و الإيثارُ عَلَى النَّفْسِ مَوْجِبٌ لِاسْمِ الْكِرْمِ.

گشاده‌دستی، زکات نیک‌بختی و مقدم‌داشتن (دیگران) بر خود، فراهم‌آورنده عنوان بزرگواری است.

از روایات مذکور چنین استنباط می‌شود که ایثار بالاترین بزرگواری است.

ج. عالی‌ترین خصلت و برترین صفت اخلاقی

حضرت علی (ع) فرمودند:

«خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْإِيْثَارُ»

بهترین خصلت‌های اخلاقی، ایثار است (غرر الحکم: ۴۹۵۳).

«غَايَةُ الْمَكَارِمِ الْإِيْثَارُ»

نقطه اوج خصلت‌های اخلاقی، ایثار است (غرر الحکم: ۶۳۶۱).

پس طبق فرمایشات گهربار علی (ع) ایثار عالی‌ترین خصلت و برترین صفت اخلاقی است.

د. خصلت نیکان

امام علی (ع) فرمودند:

«الْإِيثَارُ شِيمَةُ الْأَبْرَارِ»

ایشار، خوی نیکان است (غرر الحکم: ۶۰۶ و ۸۸۲).

«الْإِيثَارُ سَجِيَّةُ الْأَبْرَارِ، وَ شِيمَةُ الْأَخْيَارِ»

ایشار، خصلت نیکان و خوی خوبان است (غرر الحکم: ۲۲۰۸).

«مِنْ شِيَمِ الْأَبْرَارِ حَمَلُ النَّفُوسِ عَلَى الْإِيثَارِ»

وا داشتن نفس به ایشار، از خصلت های نیکان است (غرر الحکم: ۹۳۵۰).

طبق فرمایشات حضرت امیر (ع) چنین به نظر می آید که ایشار خوی و خصلت نیکان است.

ه. بهترین انتخاب

امام علی (ع) فرمودند:

«مِنْ أَفْضَلِ الْإِخْتِيَارِ التَّحَلِّيُ بِالْإِيثَارِ»

یکی از بهترین انتخاب ها، آراسته شدن به زیور ایشارگری است (غرر الحکم: ۹۴۳۶).

بر طبق فرمایش امام علی (ع) ایشار زیور زهد و یقین است.

و. زیور زهد و یقین

پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی (ص) فرمودند:

«الْإِيثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ»

ایشار، زیور زهد و بخشیدن داشته‌ها، زیور یقین است.

مطابق فرمایش نبی مکرم اسلام (ص) ایشار زیور زهد و یقین است.

ز. برترین عبادت

امام علی (ع) می‌فرمایند:

«الْإِيثَارُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ، وَ أَجَلُ سِيَادَةٍ»

ایشار، برترین عبادت و شکوهمندترین آقایی است (غرر الحکم: ۱۱۴۸).

ح. نشانه صداقت دوست

امام علی (ع) فرمودند:

«الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي غَيْبِكَ، وَ حَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ، وَ أَثَرَكَ عَلَى نَفْسِهِ»

دوست راستین، کسی است که از سر صدق، عیبت را به تو گوشزد کند و در نبود تو، تو را پاس بدارد و تو را بر خویشتن،

برگزیند (غرر الحکم: ۱۹۰۴).

و نیز می‌فرمایند:

«أَخْوَكُ الصَّدِيقُ مَنْ وَقَاكَ بِنَفْسِهِ، وَ أَثَرَكَ عَلَى مَالِهِ وَ وُلْدِهِ وَ عَرْسِهِ»

برادر راستین تو، کسی است که با جاننش تو را پاس بدارد و تو را بر مال و زن و فرزندان خویش، مقدم بدارد (غرر الحکم:

۲۰۱۴).

ط. برترین سخاوت

امام علی (ع) فرمودند:

«أَفْضَلُ السَّخَاءِ الْإِيثَارُ»

برترین سخاوت، ایشار است (غرر الحکم: ۲۸۸۸).

برکات ایثار

با کمک احادیثی چند از معصومین (ع) در این باب به تبیین برکات ایثار خواهیم پرداخت.

الف. رستگاری

امام صادق (ع) - در توصیف مؤمنان کامل - فرمودند:

هُمْ الْبِرَّةُ بِالْإِحْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ ، الْمُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ : « وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأَوْلَىٰكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ » ، فازوا وَ اللَّهُ وَ أَفْلَحُوا.

آنان ، کسانی اند که در آسایش و سختی به برادران نیکی و در هنگام تنگ دستی، ایثار می کنند. خداوند متعال ایشان را این گونه توصیف کرده و فرموده است: و (دیگران را) بر خویشتن، مقدم می دارند هرچند خودشان نیازمند باشند . و آنها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند و آنان، همان رستگاران اند. به خدا سوگند که اینان ، کامیاب و رستگار شدند.

امام علی (ع) فرمودند:

«بِالْإِثَارِ يُسْتَرَقُّ الْأَحْرَارُ»

با ایثار ، آزادگان به بندگی کشیده می شوند (غرر الحکم : ۴۱۸۷).

امام علی (ع) فرمودند:

«بِالْإِثَارِ عَلَى نَفْسِكَ تَمْلِكُ الرَّقَابَ»

با ایثار، اختیاردار دیگران می شوی (غرر الحکم : ۴۲۹۳).

ب. آموزش

حضرت ختمی مرتبت (ص) فرمودند:

«أَيُّمَا امْرِئٍ إِشْتَهَى شَهْوَةً فَرَدَّ شَهْوَتَهُ وَ أَثَرَ عَلَى نَفْسِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»

هر کس هوسی کند و دست رد به سینه هوس خویش بزند و (دیگری را) بر خود مقدم بدارد، خداوند او را می آموزد.

ج. ایثار متقابل

امام علی (ع) فرمودند:

«تَخَبَّبَ إِلَى خَلِيلِكَ يُحِبِّبَكَ ، وَ أَكْرَمَةُ يُكْرِمَكَ ، وَ أَثْرُهُ عَلَى نَفْسِكَ يُؤْتِرَكَ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ»

به دوستت مهر بپورز تا به تو مهر ورزد، او را گرامی بدار تا تو را گرامی بدارد، او را بر خویشتن مقدم بدار تا او نیز تو را بر خویش و خانواده اش مقدم بدارد (غرر الحکم : ۴۵۳۰).

د. شفاعت

از خاتم النبیین (ص) منقول است که:

دو مرد از بیابانی می گذشتند: یکی عابد و دیگری نافرمان. عابد، تشنه شد آن چنان که از پا افتاد . همسفرش که تنگی داشت و کمی آب در آن بود. به آن عابد که به زمین افتاده بود، می نگریست . با خود گفت: به خدا سوگند ، اگر این بنده نیک از تشنگی بمیرد در حالی که این آب با من است ، هرگز به خیری از خدا نخواهم رسید و اگر این آب را به او بنوشانم، خودم خواهم مُرد . اما او به خدا توکل کرد و تصمیمش را گرفت و از آن آب به صورت عابد پاشید و باقی مانده اش را به او نوشاند. عابد، از جا برخاست و هر دو، بیابان را پیمودند. در روز قیامت ، آن نافرمان را برای حسابرسی نگه می دارند و فرمان می رسد که او را به آتش ببرند. فرشتگان، او را (به سوی دوزخ) می رانند و در راه آن عابد را می بینند. می گوید: فلانی! مرا نمی شناسی؟ عابد می گوید: تو کیستی؟ مرد می گوید: من فلانی هستم که در آن روز گذشتن از بیابان، تو را بر خویشتن، ترجیح دادم. عابد می گوید: آری ، می شناسمت. پس، به فرشتگان می وید : بایستید! فرشتگان می ایستند و عابد می آید تا آن که در توقفگاه حساب می ایستد و پروردگارش عزّ و جلّ را می خواند و می گوید: ای پروردگار من! تو خود می دانی که او به من نیکی کرده و چگونه در حقّ من ایثار کرده است . پروردگارا! او را به من ببخش. پس ، خداوند می فرماید : (او از آن تو). پس، عابد می آید و دست برادرش را می گیرد و او را به بهشت می برد.

ه. رسیدن به مقام اعرافیان

امام علی (ع) فرمودند:

«المُوقِنُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُؤْتِرُونَ مِنْ رِجَالِ الْأَعْرَافِ»

اهل یقین، مخلصان و ایثارگران از اعرافیان هستند (غرر الحکم: ۱۹۷۵).

سید المرسلین (ص) به علی (ع) فرمودند:

یا عَلِيُّ، إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: أَيْنَ مُجِئُو عَلِيٍّ وَ مَنْ يُحِبُّهُ؟ أَيْنَ الْمُتَحَابِّونَ فِي اللَّهِ؟ أَيْنَ الْمُتَبَادِلُونَ فِي اللَّهِ؟ أَيْنَ الْمُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؟ أَيْنَ الَّذِينَ جَفَّتْ أَلْسِنَتُهُمْ مِنَ الْعَطَشِ؟ أَيْنَ الَّذِينَ يُصَلُّونَ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ؟ أَيْنَ الَّذِينَ يَبْكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؟ «لَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» (الأعراف/ ۴۹) أَيْنَ رُفَقَاءِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَرَّوَا عَيْنَا «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ» (الزخرف/ ۷۰)

ای علی! چون روز قیامت شود، منادی‌ای از میان عرش ندا در می‌دهد که کجایند دوستداران علی و کسی که دوستش می‌دارد؟ کجایند آنان که به خاطر خدا با یکدیگر دوستی می‌ورزیدند؟ کجایند آنان که برای خدا به یکدیگر بذل و بخشش می‌کردند؟ کجایند ایثارگران؟ کجایند آنان که زبان هایشان از تشنگی خشکید؟ کجایند آنان که در نیمه‌های شب که مردم خفته بودند، آنان نماز می‌گزارند؟ کجایند آنان که از بیم خدا می‌گریستند؟ «بیمی بر شما نیست و اندوهگین نمی‌شوید». کجایند هم‌راه پیامبر، محمد؟ آسوده خاطر باشید و شادمان. «شما و همسرانتان، شادمانه به بهشت درآید».

امام باقر (ع) فرمودند:

«إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَ جَلَّ جَنَّةٌ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ، وَ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ، وَ رَجُلٌ أَثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ»

خداوند را بهشتی است که جز سه کس، وارد آن نمی‌شود: مردی که علیه خود به حق داوری کند؛ مردی که برای خدا به دیدن برادرش برود، و مردی که به خاطر خدا برادر مؤمنش را بر خویشتن، مقدم بدارد.

تنبیه الخواطر - به نقل از سهل بن عبد الله - موسی (ع) فرمودند:

«يَا رَبِّ، أَرْنِي دَرَجَاتِ مُحَمَّدٍ وَ أُمَّتِهِ. قَالَ: يَا مُوسَى، إِنَّكَ لَنْ تُطِيقَ ذَلِكَ، وَ لَكِنْ أُرِيكَ مَنَزِلَةً مِنْ مَنَازِلِهِ جَلِيلَةً عَظِيمَةً فَصَلَّتُهُ بِهَا عَلَيْكَ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي. قَالَ: فَكَشَفَ لَهُ عَنْ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ فَنَظَرَ إِلَى مَنَزِلَةٍ كَادَتْ تَتَلَفُ نَفْسُهُ مِنْ أَنْوَارِهَا وَ قُرْبِهَا مِنَ اللَّهِ عِزِّ وَ جَلِّ، قَالَ: يَا رَبِّ، بِمَاذَا بَلَغْتَهُ إِلَى هَذِهِ الْكِرَامَةِ؟ قَالَ: بِخَلْقِ إِخْتِصَصْتَهُ بِهِ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ هُوَ الْإِيثَارُ. يَا مُوسَى، لَا يَأْتِينِي أَحَدٌ مِنْهُمْ قَدْ عَمِلَ بِهِ وَقْتًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا اسْتَحْيَيْتُ مِنْ مُحَاسَبَتِهِ، وَ بَوَّأْتُهُ مِنْ جَنَّتِي حَيْثُ يَشَاءُ.»

ای پروردگار من! درجات محمد و امت او را به من بنمایان. خداوند فرمود: «ای موسی! تو تاب دیدن آنها را نداری؛ اما (فقط) یک منزلت از منزلت‌های بزرگ و با شکوه او را به تو می‌نمایانم که به واسطه همان، او را بر تو و بر تمام آفریدگانم برتری دادم». پس، خداوند از ملکوت آسمان برای او پرده برداشت و موسی علیه السلام، منزلتی را دید که از (شدت) پرتوهای آن و قُربش به خداوند، نزدیک بود قالب تهی کند. گفت: پروردگار! به واسطه چه چیز، او را به این کرامت رساندی؟ فرمود: «به واسطه خصلتی که از میان ایشان، آن را به او اختصاص دادم و آن خصلت، ایثار است. ای موسی! هیچ یک از ایشان نیست که دمی از عمر خویش به این خصلت عمل کرده باشد، مگر آن که از حسابرسی او شرم برم و در هر کجا از بهشت که بخواهد او را منزل دهم».

ارزش ایثارگران

در باب ارزش ایثارگران به روایتی از امام صادق (ع) بسنده می‌کنیم که این امام همام فرمودند:

«لَمَّا بَاتَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْفِرَاشِ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةٌ لَمْ يَكُنْ فِي الْمَلَائِكَةِ أَشَدَّ اثْتِلَافًا وَ مُؤَاخَاةً مِنْهُمَا ، فَقَالَ : إِنِّي مُمِيتٌ أَحَدَكُمَا فَاخْتَارَا . قَالَ : فَتَدَاغَا الْمَوْتَ بَيْنَهُمَا ، وَ أَثَرَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْبَقَاءَ . فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمَا : أَيْنَ أَنْتُمَا عَنْ عَبْدِ هَذَا الرَّأْسِيِّ بِالْمَوْتِ ، الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِ ابْنِ عَمِّهِ يَقِيهِ الرَّدَى بِنَفْسِهِ ؟! أَمَا إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ مِنْ سَرِيرَتِهِ أَنْ تَلْفَ نَفْسِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ تُؤْخَذَ شَعْرَةٌ مِنْ شَعْرِ ابْنِ عَمِّهِ! أَنْزَلَا إِلَيْهِ فَاحْفَظَاهُ وَ اكْلَاهُ إِلَى الصَّبْحِ . فَلَمَ تَزَلْ عَيْنُ الْمُشْرِكِينَ تَلْحَظُهُ ، وَ الْمَلَائِكَةُ الْكِرَامُ تَحْفَظُهُ إِلَى أَنْ كَانَ وَقْتُ الصَّبْحِ ، وَ هَجَمَ الْمُشْرِكُونَ عَلَيْهِ لِلْقَتْلِ ، فَأَلْفَى اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِهِمْ - لِمَا أَرَادَهُ مِنْ حَيَاتِهِ - أَنْ يَوْقِطُوهُ مِنْ نَوْمِهِ ، فَقَالُوا : نُنَبِّهُهُ لِيَرَى أَنَا ظَفَرْنَا بِهِ قَبْلَ قَتْلِهِ ، فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ ، وَتَبَّ إِلَيْهِمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فِي يَدِهِ سَيْفُهُ ، فَتَوَلَّوْا عَنْهُ هَارِبِينَ . فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دَخَلْتُمْ وَ أَنَا نَائِمٌ ، فَادْخُلُوا وَ أَنَا مُنْتَبِهٌ . فَقَالُوا : لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ يَا بَنَ أَبِي تَالِبٍ»

شبی که علی علیه السلام در بستر (پیامبر خدا به جای وی) خوابید، خدای متعال به دو فرشته از فرشتگان (که در میان فرشتگان بیش از همه با یکدیگر آلفت و برادری داشتند) وحی فرمود که: «می‌خواهم یکی از شما دو تا را بمیرانم. پس انتخاب کنید». هر یک از آن دو، مُردن را به دیگری حواله داد و هر کدام از آن‌ها، ماندن را برگزید. پس خداوند متعال به آن دو وحی فرمود که: «شما کجا و این بنده ام که مُردن را برگزید و در بستر پسر عمویش خوابید تا با جان خویش، او را از نابودی ننگه دارد، کجا؟! هان! من دانستم که او از صمیم دل حاضر است خودش از بین برود؛ اما مویی از بدن پسر عمویش کم نشود! فرود آید و تا به صبح از او پاسداری کنید». مشرکان، پیوسته او (پیامبر صلی الله علیه و آله) را زیر نظر داشتند و فرشتگان ارجمند، از او پاسداری می‌کردند تا آن که هنگام صبح شد و مشرکان برای کشتنش بر وی یورش بردند. خداوند متعال - که اراده کرده بود او زنده بماند - در دل مشرکان افکند که او را از خواب بیدار کنند و گفتند: بیدارش می‌کنیم تا قبل از کشته شدنش شاهد پیروز شدن ما بر خودش باشد. چون چنین کردند، اسد الله الغالب غالب کل غالب علی ابن ابی طالب یعثوب الدین امیر المومنین علی علیه السلام شمشیر به دست، به طرف آنها یورش بردند و مشرکان پا به فرار گذاشتند. امیر مؤمنان علیه السلام به آنان فرمود: «خواب بودم که شما درآدید و اکنون بیدارم. وارد شوید». مشرکان گفتند: ما را با تو کاری نیست، ای پسر ابوطالب!

اقسام ایثار

در این رهگذر به بیان انواع و اقسام ایثار خواهیم پرداخت که عبارتند از:

الف. ایثار ممدوح یا مثبت

۱. مقدم داشتن دیگران بر خود هر چند به چیز اندک، در رهنمودهای دین مبین اسلام و روایات اسلامی امری سندی شده است. کسی که دیگران را به آسانی بر خود مقدم داشته و خود را برای آسایش دیگران به رنج می‌اندازد، در صورتی که ایثار او سبب ناراحتی و فشار بر همسر، فرزندان و خانواده خودش نشود و نظام زندگی‌اش را به خطر نیفکند، ایثار ممدوح و مثبت است. امیرمؤمنان (علیه السلام) در خطبه متقین می‌فرماید: «متقی کسی است که نفس او به واسطه سختگیری‌های خودش از او در رنج است و مردم از ناحیه او در آسایش هستند». (سید رضی؛ نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۸۴).
۲. مقدم داشتن خواست الهی بر هوای نفس. نظیر کار حضرت یوسف علیه السلام که با مقدم داشتن خواست خدا، آبروی خود را حفظ کرده و زندان را بر ارتکاب معصیت ترجیح داد و فرمود: «پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی‌تر از چیزی است که زنها مرا بدان می‌خوانند». یوسف/۲۳. خداوند نیز به واسطه این ایثار، او را برگزید و به مقام عالی رسانید، چنان که برادرانش گفتند: «به خدا سوگند که خدا تو را بر ما فضیلت داد و برگزید». یوسف/۹۱.
۳. ترجیح حق بر باطل گرچه به ضرر انسان باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «از حقیقت ایمان، آن است که حق را - گرچه به زیان تو است - بر باطل - گرچه به سود توست - ترجیح دهی». (علامه مجلسی؛ بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامی، ج ۷۰، ص ۱۰۶).
۴. روح سلحشوری و فداکاری و از خودگذشتگی برای اعتلای کلمه حق و آیین توحیدی. قرآن کریم نیز ایثارگران را که از همه چیز دنیا گذشته، جان بر کف به میدان نبرد می‌شتابند، (نساء/ ۹۵) ستوده و کارشان را در یک معامله الهی می‌داند (توبه/۱۱۱) به طور خلاصه و کلی می‌توان گفت ایثار ممدوح؛ ترجیح دادن خواست دیگری، ترجیح

دادن به خواست و رضای خدا، گذشتن از خواست خود برای اعتلای کلمه حق، دفاع از حق حتی در صورت خطر و ضرر است.

ب. ایثار مذموم یا منفی

۱. فداکاری و گذشتن از جان و مال و... در جبهه باطل، کاری پوچ و بیهوده است. گمراهان ممکن است در راه تقویت باطل، ثروت خویش را صرف کنند و حتی از جان هم مایه بگذارند و از دیگران نیز پیشی گیرند، ولی چنین ایثاری نه تنها غیرمعقول و نادرست است بلکه مایه حسرت و ندامت نیز می‌گردد. قرآن کریم از این واقعیت تلخ چنین یاد می‌کند: «آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند آنان این اموال را (که برای آوردنش زحمت کشیده‌اند، در این راه) مصرف می‌کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و سپس شکست خواهند خورد و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد» (انفال/۳۶).

۲. ترجیح خواسته‌های دنیوی بر آخرت: قرآن کریم در نکوهش چنین کاری می‌فرماید: «اما آن کسی که طغیان کرده و زندگی دنیا را مقدم داشته، مسلماً دوزخ جایگاه اوست» (نازعات/۳۹).

۳. گزینش هوای نفس بر خواست الهی. (مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۹۸).

۴. ایثار بی‌مورد نظیر در زحمت قرار دادن خانواده و ناراحتی و فشار بر فرزندان و به خطر افتادن نظام خانوادگی فرد. قرآن کریم می‌فرماید: «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش مکن) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی» (اسراء/۱۹).

زمینه های رشد روحیه ایثار

(یوسفی، علیرضا؛ ایثار، قم، انتشارات حسنین علیهم السلام، بهار ۸۲، چ اول، ج ۱، ص ۱۰۴).

از عوامل زمینه ساز روحیه ایثار می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. تعلیم و تربیت فرد فرد جامعه.
۲. دین باوری آحاد جامعه.
۳. توکل بر خداوند: مقصود از توکل این است که بنده هر کاری که می‌کند و برای او پیش می‌آید به خدای تعالی واگذارد؛ زیرا که می‌داند خدا از خود او تواناتر و قویتر است و به نحو احسن انجام می‌دهد و سپس به قضاء خدا راضی باشد.
۴. ساده زیستی و دوری از تجملات: ساده زندگی کردن در همه چیز، در خوراک در پوشاک در معاشرت‌ها، یک اصل مسلم است که در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر امامان شیعه علیهم السلام دیده می‌شود.
۵. بسط ارزش ها و معرفی الگوهای عملی در عرصه ایثار و فداکاری.
۶. برجسته نمودن شاخصه‌های ایثار و فداکاری.
۷. یاد معاد و توجه به پاداش ایثارگران.
۸. توجه به فواید و ثمرات ایثار.
۹. عدم ترس از فقر و نداشتن.
۱۰. توجه به بی ثباتی دنیا و فانی بودن مال و ثروت.

فواید و ثمرات ایثار

از جمله فواید و ثمرات ایثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کسب رضایت الهی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: ثروتمندی که سخی باشد اجر و پاداش او مانند اجر و پاداش ابراهیم خلیل الله است. فقیری که صبر کند اجر او مانند اجر ایوب پیامبر است» (اصول کافی کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش، کتاب الایمان و الکفر، باب تفریح کرب المؤمن، حدیث ۵).
۲. رسیدن به پاداش های اخروی (بهشت و نعمت های بی شمار): امام باقر علیه السلام فرمودند: «چون روز قیامت شود، خدای تبارک و تعالی دستور دهد که یک منادی در برابرش فریاد کشد، کجا هستند فقرا؟ گروه بسیاری برخیزند. خدا فرماید: بندگان من! گویند: لبیک، پروردگار می‌فرماید: من شما را برای خواری و پستی فقیر نساختم، بلکه برای مثل امروز انتخابتان کردم. در چهره مردم تأمل و جستجو کنید هر کس به شما احسانی کرده نسبت به من کرده است. از جانب من بهشت را به او پاداش دهید» (اصول کافی کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل فقراء المسلمین حدیث ۱۵).
۳. همدردی با محرومین: امام علی علیه السلام در دوره خلافت بیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف و کم درآمد تطبیق دهند که رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند» (سید رضی؛ نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۲۰۹).
۴. رسیدن به عزت: در روایت آمده است: «خلق خدا، عائله خدا هستند بنابراین محبوب‌ترین خلق خدا پیش خدا کسی است که به عائله خدا نفع برساند و خاندانی را شاد کند» (اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، حدیث ۶).
۵. ایجاد روح گذشت و فداکاری در جامعه: «سخاوت وقتی است که انسان بدون این که کسی درخواست کند کمک کند...» (نهج البلاغه، کلمات قصار / ۵۰).
۶. برکت در روزی و ثروت: قرآن کریم در این زمینه چنین می‌فرماید: «مثل آنهایی که اموالشان را در راه خدا انفاق کنند به مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد (که از یک دانه هفتصد دانه به وجود می‌آید) و خدا از این مقدار نیز به هر که بخواهد بیفزاید. چه خدا را رحمت بی‌منتها است و به همه چیز احاطه کامل دارد.» (سوره بقره/ ۲۶۰).
۷. نیک نامی: افرادی که در راه خدا و راه مقدس برای جامعه و مردم ایثار و گذشت می‌کنند، هر چند که این کمک‌ها کوچک و ناچیز باشد، پاداش مناسبی خواهند داشت. به فرموده امام علی علیه السلام خیر این نیست که مال و اولادت زیاد گردد بلکه خیر این است که عملت افزون شود، حوصله‌ات نیرومند گردد و در اثر عبادت پروردگارت در میان مردم سربلند باشی» (نهج البلاغه، کلمات قصار / ۹۱).
۸. فقرزدایی: اشخاص ثروتمند باید از راه محبت و انسان دوستی به هم‌نوعان خود کمک کنند تا بار سنگین فقر را از دوش آنان بردارند. این گونه انگیزه و هدف، جای سپاس و قدردانی دارد و خدای متعال به چنین افرادی وعده بهشت داده است. البته لازم به ذکر است که اثرات ایثار زیاد است از جمله: آرامش روانی، سرکوبی دشمنان، رسیدن به سیادت و سروری.

مذمت بخل

در نقطه مقابل، بخل مالی و جانی برخی صحرائشینان عرب مذمت شده است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا... وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَّتِ الرَّسُولِ إِلَّا أَنَّهُا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه ۹۸ و ۹۹).

رابطه تقابل میان این دو گروه از اعراب نشان می‌دهد که درونی نشدن انفاق در قالب صفت ایثار از نبود ایمان واقعی به خداوند و جهان آخرت پرده برمی‌دارد.

در آیه دیگری از همین سوره این حق از مؤمنان سلب شده که به هنگام تخییر بین خواسته خویش و اهداف آیین جدید از دستورات پیامبر سر باز زده، به ارضای خواسته خویش همت گمارند:

«مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنِ نَفْسِهِ» (توبه/۱۲۰).

در ادامه آیه در مقام توجیه سلب این حق چنین آمده که هرگونه از خودگذشتگی در راه خدا کاری نیک به شمار می‌رود که بدون تردید نزد خداوند بی‌پاداش نخواهد ماند، بلکه پاداش والا تر از آن را در پی خواهد داشت:

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ... إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ... لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (توبه/۱۲۱).

موانع روحیه ایثار

در بحث موانع ایثار می‌توان به عواملی زیر اشاره کرد.

۱. بخل: در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که بخل و اوصاف افراد بخیل را بیان می‌کند و کیفی‌هایی که برای افراد

بخیل تعیین شده را برمی‌شمارد از جمله: «آیا آنان که از احسان به خلق به هسته خرمایی بخل می‌ورزند بهره‌ای از ملک و سلطنت خواهند یافت» (نساء/۵۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهشت را بر افراد بخیل حرام کرده است و فرموده است: اگر وعده جبران مال و جایگزین آن از جانب خداوند حق است پس بخل ورزیدن چه معنی دارد؟ (محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار، ج ۷۳، باب البخل، ح ۶، ص ۳۰۱)

۲. حرص: دوستی دنیا اگر برای درک سعادت و کسب کمالات و آخرت باشد نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح است. آنچه مذموم است دوستی دنیایی است که انسان را از کسب کمالات و تحصیل آخرت بازدارد و او را به هلاکت اندازد. دوستی دنیایی که باعث فراموشی آخرت و تن پروری و واگذاردن دستورات الهی و حرص بر لذات و شهوات و امثال این‌ها باشد مذموم است. امام باقر علیه السلام فرمود: «شخص حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم بر خود می‌پیچد راه بیرون شدنش دورتر و بسته‌تر می‌گردد تا این که از غم و اندوه بمیرد» (اصول کافی کتاب الایمان و الکفر باب حب الدنيا والحرص علیها، حدیث ۷).

۳. ریا: ریا یعنی خود را به نیکوکاری جلوه دادن و برخلاف حقیقت تظاهر به نیکوکاری و پاکدامنی کردن و عمل نیک برای جلب نظر مردم کردن نه به جهت رضای خدا. در روایات ما آمده است که ریا را به عنوان یک نوع شرک دانسته و شدیداً از آن مذمت کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر گونه عمل ریایی شرک است هر که برای مردم کار کند پاداش او به عهده مردم است و هر که برای خدا کار کند، ثوابش بر خداست (اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الریاء، ح ۳).

۴. منت: یکی دیگر از آفات ایثار، منت است. اگر شخص مسلمانی در راه خدا و برای رضای او به شخص نیازمندی کمک کند، قطعاً کمک او مورد قبول خداوند واقع می‌گردد ولی اگر آن را با منت گذاشتن بر او و یا راه دیگری که موجب آزار روحی او می‌شود، کمک او نیست و نابود می‌شود و بی ارزش می‌گردد.

۵. خودبینی و تکبر: تکبر از آفات ایثار است؛ یعنی بزرگی فروختن به دیگران که گاهی ناشی از خود بزرگ بینی و گاهی ناشی از احساس حقارت و خود کم بینی است. خداوند متعال در قرآن کریم در این باب می‌فرماید:

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (اسراء/۳۷).

به خود پسنندی بر زمین راه مرو، که زمین را نخواهی شکافت و به بلندی کوه‌ها نخواهی رسید.

۶. اسراف: میانه روی در مخارج یکی از روش‌های پسندیده است که سفارش‌های فراوانی درباره آن شده است و ولخرجی که در حد اسراف و تبذیر برسد تا آنجا مورد نكوهش قرار گرفته که به تعبیر قرآن کریم مبدّر برادر شیطان معرفی شده است (اسراء/۲۶). در همین رهگذر در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف/۳۱)

ای فرزندان آدم! نزد هر مسجد (به هنگام نماز، لباس و) زینت‌های خود را بگریید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، همانا خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.

ارزش ایثار و اخلاص

لازمه ایثار، ایمان به خداوند و اعتقاد به آن است که انسان با خلوص نیت و عقیده پاک می‌تواند وارد میدان عمل شود و با ایثار و کمک خود می‌تواند تکیه‌گاهی برای محرومان باشد و همواره برای رفع نیازمندان جامعه کوشش و جدیت نماید. انسان با اخلاص خود و با مال و ثروتی که در اختیار دارد می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد و مایه افتخار و آرامش خود و دیگران شود و این بزرگترین خدمت است که با میل خود گره‌ای از مشکلات جامعه را باز کند و چنین اخلاصی مایه سربلندی انسان واقع می‌شود.

برترین‌ها ایثارها

۱. ایثار در شدت فقر: کسی که ایثار و گذشت می‌کند و خود را به رنج و زحمت می‌افکند تا دیگران در آسایش باشند، با این که نیاز به آن دارد و خود در سختی است، کسی که جان و یا مال خود را در راه خدا و برای اصلاح جامعه و سعادت مردم ایثار می‌کند، بالاترین رتبه ایثار را دارا است کسی که غذا و مایحتاج زندگی خود را برای محرومین جامعه ایثار می‌کند با این که خود نیاز به آن دارد تا خشنودی خدا و مردم را بدست آورد، بالاترین درجه ایثار را کسب کرده است.
۲. ایثار از سوی مسئولین و رهبران: رهبران جامعه مسئولیت سنگین‌تری دارند. چون به خوبی وضع جامعه را درک می‌کنند که چگونه نیازمندان در فقر شدید و مرگ آوری زندگی می‌کنند و آنها وظیفه‌ای که بر دوش دارند از افراد عادی جامعه سخت‌تر و سنگین‌تر است.
۳. ایثار قبل از درخواست شخص محتاج: این را باید به صورت یک اصل پذیرفت که در هر جامعه‌ای افراد ثروتمند وجود دارد که اموال خود را به افراد نیازمند می‌بخشد و یا این که به خاطر رفاه و آسایش دیگران خودشان را به رنج و زحمت می‌افکنند و اموال و دارائی‌های خود را در راه خدا ایثار می‌کند، اگر قبل از آن که شخص محتاج درخواست کند و ذلت سؤال در چهره او ظاهر گردد خواسته او را بدهد قطعاً از ارزش والاتری برخوردار خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: مردم با ایمان کسانی هستند که هر چند خود سخت نیازمند باشند، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند و ایثار می‌کنند» (حشر/۹).

شرط اخلاص در ایثار

در نگاهی دیگر به مفهوم ایثار به برخی شروط و ضوابط اخلاقی در رفتارهای ایثارگرانه سفارش شده که مهم‌ترین آن‌ها در تناسب با محور معنایی این مفهوم، پرهیز از منت‌گذاری و بیان سخنان آزار دهنده یا ابراز برخی درخواست‌های متقابل است که در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

«الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّْا وَلَا أَدَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۲۶۲).

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و سپس به دنبال آنچه انفاق کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها برایشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.

در همین راستا در سوره دهر به الگویی عملی از ایثار خالصانه برمی‌خوریم که بنابر روایات متعدد شأن نزول آن مربوط به از خودگذشتگی امیرمؤمنان، علی (علیه‌السلام) و همسرش فاطمه و دو فرزندشان حسن و حسین (علیهم‌السلام) در انفاق تنها خوراک شب خود به نیازمندان در سه شب متوالی است:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا... وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» انسان/ ۵ و ۲۳

در آیات دیگر در ادامه این نگاه اخلاقی از آفت ریا و خودنمایی به هنگام انجام دادن کارهای نیک اجتماعی یاد شده که باز با مفهوم از خودگذشتگی در نقش محور معنایی ایثار در تضاد است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره/۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند و ایمان به خدا و روز رستاخیز نمی آورد. در اینجا نیز اخلاص پشتوانه اصلی رفتارهای نیک دانسته شده که بدون آن هر رفتار نیکی بی فایده بوده، از نبود ایمان واقعی به خدا و جهان آخرت پرده برمی دارد، بنابراین صفت اخلاص در نقش نقطه مقابل ریا، رابطه همنشینی با ایثار یافته، مفهوم از خودگذشتگی بدون اخلاص قابل تصور نخواهد بود. اهمیت این موضوع آنگاه بیش تر آشکار خواهد شد که به وجود اخلاق فخرفروشی و خودنمایی با تظاهر به صفات نیک اخلاقی در جامعه عرب قبل از اسلام پی بریم. در همین راستا خداوند از زیاده روی در رفتارهای ایثارگرانه و فراموش کردن واقعیات زندگی روزمره پرهیز داده، به ضرورت ملاحظه مصالح معیشتی توجه می دهد:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷)

آنان که هرگاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دو روش اعتدال دارند.

و در آیه ای دیگر به پیامبر سفارش می شود که نه دست خویش را از شدت بخل به گردن ببندد و نه به سخاوت یکباره هرچه داری یکجا از دست بده که آنگاه به حال ملامت و حسرت قرارگیری:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء/۲۹)

نه دست خود را به گردنت بسته بدار (که هیچ انفاقی نکنی) و نه آن را کاملاً باز گذار که (چیزی برای خودت نماند و) سرزنش شده و حسرت خورده (به کنجی) نشینی.

و باز در آیه دیگری از زیاده روی در ایثار مال به عنوان تبذیر یاد شده و این خصلت نکوهش شده است:

«وَأَنذِرْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا • إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ» (اسراء/۲۶)

حقّ خویشاوند و بیچاره و در راه مانده را ادا کن و هیچ گونه ریخت و پاش و اسرافی نکن.

نتیجه گیری

از جمله مسائل کلیدی و تأثیرگذار در دین مبین اسلام، آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) مبحث ایثار است. کلام مقدس حضرت حق و سخنان گهربار معصومین (ع) در باب ایثار در طی قرون و اعصار بر اذهان و افکار نقشی غیر قابل انکار داشته و بلاشک از اجزاء لاینفک زندگی اجتماعی بشری محسوب می گردد. عظمت ایثار آن چنان گسترده است که آحاد مردم جامعه را در رسیدن به سعادت اخروی و بالاترین مرتبه ایمان یاری می نماید. مفاهیم ایثار در آموزه های دینی و مذهبی، پشت و پناه و چراغ راه بندگان مخلص خدا بوده و چونان مهتاب شب چهارده در روزگار تاریک و خطر آفرین دنیوی به مدد انسان ها خواهد آمد و آن ها را از منجلاب فساد و بخل رهایی می بخشد. خودخواهی، خودپرستی و در نقطه مقابل ایثار، گذشت و فداکاری قرار گرفته که انسان را از کارهای ارزشمند بسیاری مانند جهاد و مبارزه باز می دارد.

منابع و مراجع

۱. اسراء / ۱۹، ۳۷، ۲۶، ۲۹.
۲. اعراف / ۴۹، ۳۱.
۳. انسان / ۸، ۵، ۲۳.
۴. انفال / ۳۶.
۵. آل عمران / ۹۲.
۶. بقره / ۲۰۷، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴.
۷. توبه / ۱۱۱، ۹۸، ۹۹، ۱۲۰، ۱۲۱.
۸. حشر / ۹، ۱۰.
۹. زخرف / ۷۰.
۱۰. سید رضی؛ نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۸۴.
۱۱. سید رضی؛ نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۲۰۹.
۱۲. غرر الحکم و درر الکلم / ۱۱۲، ۷۱۷۹، ۵۰۲۸، ۸۲۲۵، ۱۷۰۵، ۹۸۶، ۱۰۷۴۵، ۲۹۱۴، ۱۴۱۹، ۹۱۶، ۷۰۴۷، ۶۲۲۶، ۴۹۵۳، ۶۳۶۱، ۶۰۶، ۸۸۲، ۲۲۰۸، ۹۳۵۰، ۹۴۳۶، ۱۱۴۸، ۱۹۰۴، ۲۰۱۴، ۲۸۸۸، ۴۱۸۷، ۴۲۹۳، ۴۵۳۰، ۱۹۷۵.
۱۳. فرقان / ۶۷.
۱۴. کلینی، اصول کافی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل فقراء المسلمین حدیث ۱۵.
۱۵. کلینی، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الریاء، ح ۳.
۱۶. کلینی، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب حب الدنیا و الحرص علیها، حدیث ۷.
۱۷. کلینی، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، حدیث ۶.
۱۸. کلینی، اصول کافی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش، کتاب الایمان و الکفر، باب تفریح کرب المؤمن، حدیث ۵.
۱۹. مجلسی؛ محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، اسلامیه، ج ۷۰، ص ۱۰۶.
۲۰. مجلسی؛ محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۳، باب البخل، ح ۶، ص ۳۰۱.
۲۱. مکارم شیرازی؛ ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۹۸.
۲۲. نازعات / ۳۹.
۲۳. نساء / ۹۵.
۲۴. نهج البلاغه، کلمات قصار / ۵۰.
۲۵. نهج البلاغه، کلمات قصار / ۹۱.
۲۶. یوسف / ۲۳، ۹۱.
۲۷. یوسفی، علیرضا؛ ایثار، قم، انتشارات حسنین علیهم السلام، بهار ۸۲، ج اول، ص ۱، ص ۱۰۴.